

# نامه‌هایی از اسکار وایلد

این نامه‌ها از کتاب «نامه‌های اسکار وایلد» انتخاب شده‌اند. اسکار وایلد این نامه‌ها را در سالهای ۱۸۸۲ و ۱۸۸۳، و پس از سفر موفقیت‌آمیزش به آمریکا نوشته است. خطاب نامه‌ها به دوستان و نزدیکان اوست. اسکار وایلد در این نامه‌ها در باره نظریاتش راجع به زندگی و هنر و اثر هر یک بر دیگری سخن فریبی می‌گوید.

پژوهشگاه بین‌المللی زبان‌شناسی  
پرتال جامع علوم انسانی

نامهٔ اول

۲۰ ژانویه ۱۸۸۲ - به آرچیبالد فوربس<sup>۱</sup>

آقای فوربس عزیز

به طور یقین اظهار نظر شما در مورد من، به طور نادرستی جلوه داده شده است. اگر چه باید بگویم به نظر می‌آید اظهارات شما در سخنرانی‌تان در مورد من دلیلی بر نوشتن آن مقاله بوده است. فکر می‌کنم صراحتاً باید بگویم به نظر من آن گفته‌ها نه تنها درست بیان نشده بلکه هیچ ارتباطی هم با موضوع بحث شما نداشته است. می‌دانم مسئله‌ای را که من می‌خواهم به مردم

آمریکا بگویم باعث ایجاد یک حرکت بزرگ در اینجا خواهد شد و زبان تمام این ریشخندهای  
احمقانه، به تزکیه هنر و تمدن در این کشور خواهد رسید.  
فکر نمی‌کنم که حذف آن گفتار به زیبایی کلام شما و توجهی که به آن می‌شود  
خداش‌ای وارد کند. همچنان که خود شما گفتید آن نکته شوخی ساده لوحانه‌ای بوده است.  
وظیفه شما سخن گفتن از اخبار جنگ و میدان نزاع است و من از حیات هنر می‌گویم.  
این دو موضوع کاملاً متفاوت‌اند و بهتر است که اینطور باقی بماند.  
ارادتمند شما اسکاروایلد

نامه دوم  
۲۹ ژانویه ۱۸۸۲ - به آرچیبالد فوربس

آقای فوربس عزیز

از اینکه در نخستین نامه‌ای که به شما نوشتم مطالبی بود که به نظر شما تند و اشتباه  
آمد بسیار متعجب و غمگین شدم. باور کنید قصد من آن بود که با همان صراحت لهجه‌ای که  
شما به من نوشتید جواب شما را بدهم و اگر چیزی جز این به نظر آمده باشد، هر چند  
ناآگاهانه، آن را پس می‌گیرم.  
و اما راجع به قصد من برای آمدن به آمریکا توضیح خواسته بودید. هنگام بازگشت به  
اروپا، اگر نتوانسته باشم کوچکترین نفوذی در رشد هنر در این کشور داشته باشم بسیار ناامید  
خواهم شد؛ و ناامیدتر، اگر نتوانسته باشم باعث شوم که از میان تعداد کثیری که به سخنان من  
گوش دادند حداقل یک نفر هنر و زیبایی را کمی بیشتر دوست داشته باشد. و باز هم ناامیدتر  
اگر نتوانسته باشم پس از کار توانفرسا و سخنرانیهای متعدد (به خصوص برای من که در این  
مورد بی‌تجربه هستم) به مقدار کافی درآمد داشته باشم؛ درآمدی که با آن بتوانم پاییز را در  
ونیز، زمستان را در رم و بهار را در آتن بگذرانم. اما تمام اینها شاید تنها رویا باشند. به نظر  
می‌رسد که نامه نوشتن باعث سوء تفاهمهای بسیار بزرگ می‌شود. آرزو داشتم شما را حضوری  
ملاقات می‌کردم. شاید اگر با هم روبرو می‌شدیم می‌توانستم بهتر و آسانتر حرفهایم را به شما  
بزنم.

دوستدار شما اسکاروایلد

خانم پرسکات عزیزم

روزنامه‌هایی را که از آمریکا برایم فرستاده بودید دریافت کردم و از این بابت از شما متشکرم. فکر می‌کنم باید به خاطر داشته باشیم که تبلیغات زیاد نمی‌تواند تضمینی برای موفقیت یک نمایش ضعیف با بازی بد باشد. منظورم این است که می‌توان در خیابانهای نیویورک دسته‌های کارناوال را دو بار در روز به مدت شش ماه راه انداخت و اعلام کرد که ورا<sup>۳</sup> نمایشنامه خوبی است ولی اگر در شب اول اجرا، یک نمایش قوی با بازی خوب نباشد تمام آن تبلیغات بی‌نتیجه خواهد بود.

نام من و بازی عالی شما، دو عامل مهم برای موفقیت آن نمایش در لندن و آمریکا خواهد بود. کار ما ایجاد موقعیتی عالی برای به دست آوردن یک نتیجه خوب است. موفقیت علمی است که اگر شرایط آن را داشته باشیم ثمره آن را خواهیم گرفت. هنر یک حاصل ریاضی است که از تمایل به هنر و زیبایی ناشی می‌شود و اگر در مورد آن درست فکر نشود هیچ نخواهد بود.


در مورد گفتگوهای آن نمایش باید گفت، می‌توان یک اثر تراژدی را به شکل کم‌دی اجرا کرد. خنده در بیننده لزوماً ترس را از بین نمی‌برد اما به کاهش آن کمک می‌کند. هیچوقت نگران نباشید، با ایجاد خنده اثر تراژدی از بین نمی‌رود. برعکس بدینوسیله می‌شود آن را تشدید کرد. قانون کلی هر هنری بستگی به چیزی دارد که به آن رجوع کند. نقاشی با چشم کار دارد و به دانش بینایی مربوط می‌شود. موسیقی با گوش شنیده می‌شود و با دانش صداها رابطه پیدا می‌کند. تئاتر با طبیعت انسان سر و کار دارد و آن را باید در دانش روانشناسی و فیزیولوژی جستجو کرد. یکی از اصول فیزیولوژی این است که اشتیاق برای احساسات تشدید شده را می‌توان با احساس ضد آن تسلی داد. برای مثال اثر یک نمایش درام، خنده‌های عصبی و یا اشک شادی است. به دلایلی که گفتم نمی‌توانم آن گفتگوها را در اثر کم‌دی خود حذف کنم. دوم اینکه، لزوم یک گفت و شنود خوب، پایان آن است و یک محاوره درست باید واکنشهای اشخاص در برابر یکدیگر را به طور طبیعی نشان دهد و نباید تنها به صورت نوشته‌های یک نویسنده گفته شود. این پایانها، نه تنها ارزشی هنری بلکه اثری فیزیکی نیز دارند. آنها زمان کافی برای نفس تازه کردن را به بازیگر می‌دهند.

رابرت عزیز

نامه‌ات به اندازه خودت دوست‌داشتنی بود. این اولین فرصتی است که پس از پیمودن راهها و عوض کردن قطار و حمل و نقل اثاثیه‌ام پیدا کرده‌ام که برایت نامه‌ای بنویسم. خواندن دستخط تو چه لذت بخش بود و چه خاطراتی از شبهای مهتابی و غروب آفتاب را به یاد من آورد. در مورد پیشکش کردن شعرهای خودت به من، آنها را می‌پذیرم. چگونه می‌توان هدیه‌ای به دلپذیری یک موسیقی زیبا که توسط دوست عزیز می‌مثل تو سروده شده باشد را رد کرد.

به نظر من، تصویر یک دوستی واقعی را هرگز نمی‌توان با هیچ خیانتی هر چقدر پست و ننگین باشد کدر کرد. اشخاص مانند سایه می‌آیند و می‌روند ولی کمال مطلوب ما همیشه روشن و شفاف باقی می‌ماند. آن کمال مطلوبی که زندگی انسانها را نه تنها به خاطر عشق و دوستی‌ای که آنها را به یکدیگر پیوند می‌دهد، بلکه رابطه‌ای که با هنر و موسیقی به جنبش درمی‌آید و دوستی را نزدیکتر می‌کند. ما هر دو می‌توانیم در مقابل یک الهه مرمری خم شویم و سرود روحانی بخوانیم، رنگ طلایی غروب و نقره‌ای سپیده می‌تواند برایمان رویایی باشد، آواز خلسه آور پرندگان نهان در تپه‌های پرگل، همه در قلب ما حس زیبایی را پدید می‌آورند و در آنجا قلبها و دستهای ما به هم پیوند می‌خورند.

فکر می‌کنم یک دوستی واقعی باید اینطور باشد. در این نوع رابطه، عیبها جزئی شمرده می‌شوند و هیچیک در صدد تغییر دیگری نیست و دو طرف یکدیگر را برای چیزی که هستند می‌پذیرند. احتمالاً من و تو فرق زیادی با هم داریم شاید بیشتر از آنچه در تصور بیاید اما هر دوی ما دید یکسانی از زیبایی داریم و در جستجوی آن شهر رویایی هستیم که فلوت نوازان آن هیچگاه خسته نمی‌شوند. آنجا همیشه بهار است و جایی برای خاموشی نیست؛ شهری که خانه هنر است و هنر در انتظار دوستدارانش. ما به دنبال چاه آب زندگی جاوید هستیم؛ جایی که بلبلان برایمان می‌خوانند و ماه از دیدارمان شاد می‌شود. به نظر من این همان چیزی است که در جستجوی آن هستیم و تو که برایم بسیار عزیز می‌باشی و دوستی‌ات ایمان و اعتماد به آینده را به من می‌دهد، در این راه با من همراهی.


 اسکار وایلد

1. Archibald Forbes نویسنده انگلیسی و خبرنگار جنگی. 3. Vera

2. Marie Prescott بازیگر آمریکایی. 4. Robert. H. Sherard نویسنده و خبرنگار.